

جایگاه شرکتهای دولتی در تجارت خارجی

از: علی اصغر اسماعیل نیا

چکیده

رسیدن به یک توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پایدار مستلزم برنامه‌های بلندمدتی است که براساس آن اهداف دولت مشخص شده و راهبردهای اساسی جهت رسیدن به این اهداف مشخص شود. یکی از این اهداف، افزایش صادرات غیرنفتی و خروج از اقتصاد تک‌محصولی است. این هدف که به دنبال ثبات بیشتر در درآمدهای ارزی و بهبود تراز ارزی کشور است در سالهای اخیر به واسطه کاهش قیمت نفت از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در این میان به دلیل آنکه حجم وسیعی از فعالیتهای اقتصادی جامعه توسط شرکتهای دولتی انجام می‌گیرد و همچنین با توجه به نقش حساس این شرکتها در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، این شرکتها سهم عمده‌ای از منابع و مصارف ارزی را به خود اختصاص داده و نقش قابل توجهی را در تجارت خارجی به عهده دارند به طوری که بررسی و توجه به این نقش می‌تواند در افزایش صادرات غیرنفتی و حرکت به سمت اقتصاد بدون نفت موثر باشد.

مقدمه:

طی سه دهه گذشته با تغییر تکنولوژی تولید و ایجاد صنایع بزرگ از جمله ذوب آهن، فولاد، آلومینیوم، پتروشیمی، اتومبیل سازی و... ساختار تولید کشور متحول شده ولی این تغییر ساختار تولید، به دلیل حمایت نامعقول و بیش از اندازه دولت و تزریق ارز ناشی از درآمد نفت و وجود بازار تضمین شده داخلی مانع از ایجاد انگیزه لازم برای حضور در بازارهای بین‌المللی شده است.

همچنین اتکاء دولت به درآمد نفت و حمایت نامعقول از این صنایع و عدم نیاز دولت به درآمد حاصل از محل صادرات این صنایع موجب شده که بخش صنعت ایران انگیزه لازم برای حضور در بازارهای جهانی را پیدا نکند که این امر تا سالهای اخیر تداوم داشته است. اگرچه در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاشهای زیادی در جهت رهایی کشور از اقتصاد تک‌محصولی (نفت) شده است ولی به دلیل برخی موانع سیاسی ایجاد شده از طرف بیگانگان این تلاشها به ثمر نرسیده است و در نتیجه اقتصاد کشور کماکان وابسته به درآمد ارزی حاصل از نفت بوده به طوری که سهم درآمدهای

ارزی حاصل از صدور نفت به کل صادرات در برخی از سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بیش از ۹۷ درصد بالغ می‌شود. درآمد حاصل از صادرات نفت به دلیل آنکه به عواملی مانند رونق و رکود اقتصادی کشورهای صنعتی، مقدار سقف تولید تعیین شده اوپک، قیمت نفت و برخی مسائل سیاسی دیگر وابسته است متغیر قابل اتکایی برای امر سیاستگذاری نیست.

توجه به صادرات غیرنفتی در دستور کار سیاستگذاران اقتصادی کشور قرار گرفت به طوری که طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با ایجاد انگیزه لازم از طریق تنزل ارزش پول ملی کشور، صنایع کشور توانسته‌اند حضور بهتری در بازارهای بین‌المللی پیدا کرده و سهم خود را در صادرات افزایش دهند. افزایش صادرات غیرنفتی تا اندازه زیادی مرهون تلاش شرکتهای دولتی در این زمینه بوده است. چرا که در بخش صادرات کالاهای صنعتی، عمدتاً شرکتهای دولتی متولی تولید بوده و حتی در بخش کالاهای کشاورزی نیز نقش شرکتهای دولتی قابل توجه است.

لذا در این مقاله ضمن بررسی ساختار صادراتی ایران، نقش شرکتهای دولتی در

صادرات غیرنفتی و واردات و در مجموع تاثیر آنها بر تراز ارزی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱ - بررسی ساختار صادراتی ایران

صادرات، مازاد تولید داخلی از مصرف تعریف می‌شود. مازاد تولید در بلندمدت تابعی از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی است. بدین معنی که هرچه رشد تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد در بلندمدت مازاد مصرف بیشتری برای صادرات وجود خواهد داشت.

براساس گزارش سال ۱۹۹۴ انکستاد، رشد تولید ناخالص داخلی جهان طی سالهای ۹۳-۱۹۷۰ معادل ۲/۹ درصد و رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای درحال توسعه معادل ۳/۷ درصد و رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای درحال توسعه غیرصادرکننده نفت معادل ۴/۶ درصد و رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای صادرکننده نفت معادل ۱/۷ درصد و رشد تولید ناخالص داخلی ایران طی همین دوره

معادل ۱/۳ درصد بوده است.

جدول (۱) صادرات کشور را به تفکیک صادرات نفتی و غیرنفتی و سهم هریک از کل صادرات را برای دوره ۷۵-۱۳۴۵ نشان می‌دهد. ارقام جدول بیانگر جایگاه پراهمیت نفت و کم‌اهمیت کالاهای غیرنفتی در ساختار صادراتی کشور است به طوری که در طی سه دهه به طور متوسط صادرات نفت بیش از ۸۶ درصد کل صادرات کشور را تشکیل می‌دهد است. از آنجایی که ذخایر نفتی کشور عمر محدودی داشته و با توجه به نرخ رشد جمعیت، افزایش مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی در داخل اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، از طرفی هزینه‌های نهایی بازیافت نفت از منابع نفتی روبه‌افزایش بوده و بهای نفت در دهه‌های آینده بالا نخواهد رفت، لذا تغییر ساختار صادراتی کشور به نفع صادرات غیرنفتی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

در همین دوره، صادرات غیرنفتی ایران همواره بخش ناچیزی از کل صادرات کشور را تشکیل می‌دهد و سهم آن عمدتاً کمتر از ۱۴ درصد بوده است.

جدول (۲) ساختار صادرات غیرنفتی کشور را طی دوره ۷۵-۱۳۴۵ نشان می‌دهد. ساختار غیرنفتی کشور بیانگر آن است که در طی سه دهه گذشته، بخش کشاورزی و سستی زیر ساخت تولید را تشکیل می‌دهد و محصولات زراعی، دامی و گیاهی به صورت خام و یا فرآوری شده مهمترین کالاهای صادراتی به بازارهای جهانی بوده است به طوری که حدود ۸۹ درصد صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۴۵ را کالاهای کشاورزی و سستی تشکیل می‌دهد و در مقابل، سهم کالاهای صنعتی حدود ۵ درصد و سهم مواد معدنی و کلوخه‌های کانی معادل ۶ درصد بوده است. طی سه دهه گذشته با تغییر تکنولوژی تولید و ایجاد صنایع بزرگ، سهم کالاهای صنعتی در

جدول (۱)

صادرات ایران به تفکیک صادرات نفتی و غیرنفتی طی دوره ۷۵-۱۳۴۵

ارقام به میلیون دلار

سال	صادرات غیرنفتی		صادرات نفتی		کل صادرات
	ارزش	سهم(درصد)	ارزش	سهم(درصد)	
۱۳۴۵	۱۵۷/۵	۱۸	۷۱۵/۸	۸۲	۸۷۳/۲
۱۳۵۰	۳۳۴/۶	۱۳/۹	۲۰۷۸	۸۶/۱	۲۴۱۲/۶
۱۳۵۵	۵۳۹/۹	۲/۶	۲۰۴۸۷/۷	۹۷/۴	۲۱۰۲۷/۶
۱۳۶۰	۳۳۹/۵	۲/۷	۱۲۴۵۵/۵	۹۷/۳	۱۲۷۹۵
۱۳۶۵	۹۱۵/۵	۱۳/۳	۵۹۸۲/۳	۸۶/۷	۶۸۹۷/۸
۱۳۶۷	۱۰۳۵/۸	۱۴/۵	۶۱۲۹	۸۵/۵	۷۱۶۴/۸
۱۳۶۸	۱۰۴۳/۹	۸	۱۱۹۹۳/۲	۹۲	۱۳۰۳۷/۱
۱۳۶۹	۱۳۱۲/۲	۶/۸	۱۷۹۹۳	۹۳/۲	۱۹۳۰۵/۲
۱۳۷۰	۲۶۴۸/۷	۱۴/۴	۱۵۸۰۲	۸۵/۶	۱۸۴۵۰/۷
۱۳۷۱	۲۹۸۷/۷	۱۵	۱۶۸۸۰/۳	۸۵	۱۹۸۶۸
۱۳۷۲	۳۷۴۶/۸	۲۰/۷	۱۴۳۳۳/۲	۷۹/۳	۱۸۰۸۰
۱۳۷۳	۴۸۲۴/۵	۲۴/۸	۱۴۶۰۹/۵	۷۵/۲	۱۹۴۳۴
۱۳۷۴	۳۲۵۰/۷	۱۷/۷	۱۵۱۰۹/۳	۸۲/۳	۱۸۳۶۰
۱۳۷۵	۳۱۰۵/۷	۱۳/۹	۱۹۲۸۵/۳	۸۶/۱	۲۲۳۹۱

**حمایت
بیش از اندازه
دولت و تزریق ارز
ناشی از
درآمد نفت
انگیزه لازم
برای حضور
در بازارهای بین‌المللی
را ایجاد نکرده است.**

صادرات غیرنفتی افزایش و در مقابل سهم کالاهای کشاورزی و سستی کاهش یافته است به طوری که سهم کالاهای کشاورزی و سستی از حدود ۸۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۷۳/۲ درصد در سال ۱۳۷۰ و به ۵۳ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. در مقابل سهم کالاهای صنعتی با یک روند فزاینده از ۵/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۴/۹ درصد در سال ۱۳۷۰ و به ۴۵/۵ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است.

افزایش سهم صادرات غیرنفتی و افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی در طی برنامه اول توسعه و بعد از آن قابل توجه است چراکه دولت با ایجاد انگیزه لازم و تشویق صنایع در امر توسعه صادرات به همراه سیاستهای ارزی متنخذه (تنزل ارزش پول ملی) توانسته سهم کالاهای صنعتی را در صادرات غیرنفتی افزایش داده و در مجموع سهم صادرات غیرنفتی در کل صادرات را نیز افزایش دهد. بنابراین

ماخذ: آمار بازرگانی خارجی و گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول (۲)

ساختار صادرات غیرنفتی ایران به تفکیک گروه‌های مختلف طی دوره ۷۵-۱۳۴۵

نام گروه	کشاورزی و سنتی		صنعتی		مواد معدنی و کلوخه‌های کانی		کل غیرنفتی
	ارزش	سهم (درصد)	ارزش	سهم (درصد)	ارزش	سهم (درصد)	
سال							
۱۳۴۵	۱۴۰/۱	۸۸/۹	۸/۱	۵/۱	۹/۳	۶	۱۵۷/۵
۱۳۵۰	۲۵۶/۴	۷۶/۶	۶۱/۷	۱۸/۴	۱۶/۵	۵	۳۳۴/۶
۱۳۵۵	۳۷۷/۱	۶۹/۸	۱۵۲/۶	۲۸/۳	۱۰/۲	۱/۹	۵۳۹/۹
۱۳۶۰	۳۲۱/۳	۹۴/۶	۱۳/۲	۳/۹	۵	۱/۵	۳۳۹/۵
۱۳۶۵	۷۸۰/۷	۸۵/۳	۱۰۹/۹	۱۲	۲۴/۹	۲/۷	۹۱۵/۵
۱۳۶۷	۷۷۰/۳	۷۴/۴	۲۳۲/۷	۲۲/۴	۳۲/۸	۳/۲	۱۰۳۵/۸
۱۳۶۸	۸۹۴/۴	۸۵/۷	۱۲۲/۶	۱۱/۷	۲۶/۹	۲/۶	۱۰۴۳/۹
۱۳۶۹	۱۰۳۸/۴	۷۹/۱	۲۴۱/۵	۱۸/۴	۳۲/۲	۲/۵	۱۳۱۲/۲
۱۳۷۰	۱۹۳۷/۴	۷۳/۲	۶۶۰	۲۴/۹	۵۱/۳	۱/۹	۲۶۴۸/۷
۱۳۷۱	۱۹۹۵/۶	۶۶/۸	۹۷۰/۹	۳۲/۵	۲۱/۲	۰/۷	۲۹۸۷/۷
۱۳۷۲	۲۵۱۶/۱	۶۷/۲	۱۱۹۱/۷	۳۱/۸	۳۹	۱	۳۷۴۶/۸
۱۳۷۳	۳۲۵۸/۶	۶۷/۵	۱۵۱۰	۳۱/۳	۵۵/۹	۱/۲	۴۸۲۴/۵
۱۳۷۴	۱۹۰۱	۵۸/۵	۱۲۷۶/۳	۳۹/۳	۷۳/۴	۲/۲	۳۲۵۰/۷
۱۳۷۵	۱۶۴۵/۸	۵۳	۱۴۱۳/۱	۴۵/۵	۴۶/۸	۱/۵	۳۱۰۵/۷

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی و گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی کشور عمدتاً معلول تلاش و فعالیت آن‌دسته از شرکتهای دولتی بوده که در این زمینه‌ها به تولید مشغول هستند. موید این امر، صادرات شرکتهای دولتی و رشد آن طی دوره ۷۵-۱۳۷۱ بوده که در قسمت بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حتی در بخش کشاورزی نیز نقش شرکتهای دولتی در صادرات غیرنفتی قابل توجه است. چرا که برخی شرکتهای دولتی (از جمله شیلات و کشت و صنعت‌های مختلف) نقش موثری در صادرات کالاهای کشاورزی ایفا می‌کنند.

۲- نقش شرکتهای دولتی در تجارت خارجی

با آغاز جنگ جهانی اول و در نتیجه ضرورت‌های خاص زمان جنگ، کنترل‌های ارزی جهت حفظ و استفاده از منابع ارزی برای نیازهای ضروری در کشورهای پیشرفته معمول گشت. در حالیکه تصور می‌شد اعمال این سیاست‌های ارزی خاص، ناشی از موقعیت جنگی بوده و در زمان صلح به دست فراموشی سپرده خواهد شد، شرایط بحرانی سالهای ۱۹۳۰ موجب کاربرد این کنترلها در زمان صلح در

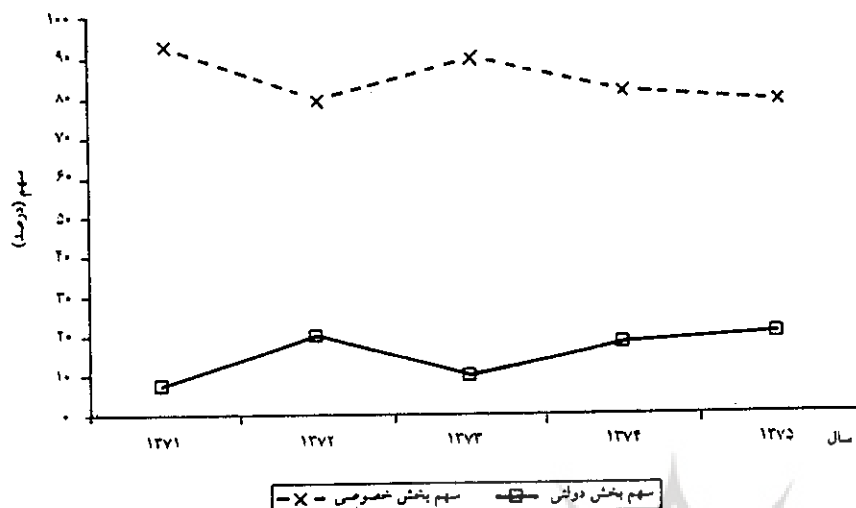
نسبت به اتخاذ چنین سیاستی بی‌اعتماد می‌کرد. ایران نیز از جمله کشورهای در حال توسعه‌ای است که به نوعی همه این سیاستها (اعم از سیاست کنترل ارزی، تنزل ارزش پول ملی و شناوری نرخ ارز) را در دوره‌های مختلف مورد آزمون و ارزیابی قرار داده است. هدف اساسی سیاست کنترل ارزی که به صورت رسمی از سال ۱۳۰۹ آغاز شد، ایجاد تعادل در تراز پرداختها بوده است. با توجه به شرایط خاص ایران، کنترل ارزی تنها می‌تواند بر مخارج ارزی و دریافتیهای ناشی از صادرات غیرنفتی تأثیر تعیین‌کننده داشته باشد. اما این سیاست تأثیر اطمینان‌بخشی بر تشویق صادرات و نیز تحدید واردات نخواهد داشت.

هدف اساسی سیاست تنزل ارزش ریال و در ادامه، شناوری نرخ ارز در طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، افزایش صادرات غیرنفتی و جایگزینی واردات بوده است به طوری که سعی شده بود تا تراز ارزی کشور بهبود یافته و کسری تراز پرداختهای کشور کاهش یابد. با توجه به اتخاذ چنین سیاستی در طی برنامه اول، بررسی وضعیت تراز بازرگانی

کشورهای بزرگ صنعتی گردید. بار دیگر تجربه کنترل ارز در زمان جنگ جهانی دوم تکرار شد و پس از پایان جنگ نیز تا حدود سال ۱۹۵۸ که کم‌کم از وسعت نظامهای کنترلی در جهان پیشرفته کاسته می‌شد، ادامه یافت. از این هنگام به بعد کنترل‌های ارزی به تدریج محدود به نقل و انتقالات حساب سرمایه گردید و اگرچه در نیمه اول دهه ۷۰ برخی از کشورها به کار گرفته شد اما اهمیت خود را در کشورهای توسعه یافته از دست داد. لیکن در تمامی سالهای بعد از جنگ جهانی دوم در اکثر کشورهای توسعه نیافته بر مناسبات بخش خارجی اقتصاد حاکم بوده است. کشورهای در حال توسعه در نتیجه پیگیری برنامه‌های توسعه اقتصادی، اکثراً مواجه با مشکلات توری بوده‌اند که به مشکلات تراز پرداختها دامن می‌زند به طوری که استفاده از سیاستهای انقباضی برای ایجاد موازنه ارزی، با برنامه‌های توسعه اقتصادی این کشورها سازگار نبوده و از طرفی اتخاذ سیاست تنزل ارزش پول ملی و همچنین شناوری نرخ ارز نیز به دلیل عدم کسش‌پذیری مناسب صادرات و واردات نسبت به تغییرات نرخ ارز، سیاستگذاران این کشورها را

نمودار (۱)

روند سهم صادرات بخش خصوصی و دولتی از کل صادرات غیرنفتی طی دوره ۱۳۷۵ - ۱۳۷۱



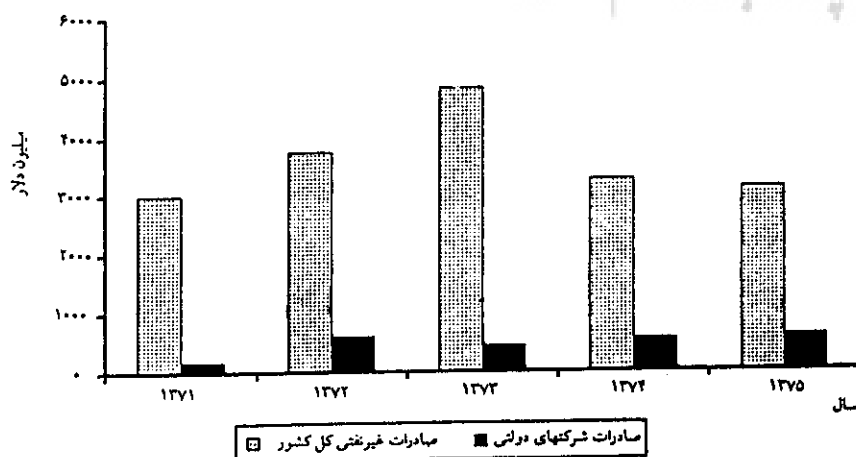
از ۵/۸ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۱۹/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. نمودار شماره (۲) مقایسه صادرات شرکتهای دولتی با کل صادرات غیرنفتی کشور را نشان می‌دهد. براساس این نمودار، صادرات غیرنفتی کشور از حدود ۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ با یک روند صعودی به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ افزایش یافته و مجدداً با یک روند نزولی به ۳/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. در مقابل صادرات شرکتهای دولتی یک روند تقریباً صعودی را طی کرده است.

غیرنفتی کشور یک روند نسبتاً صعودی را طی کرده است. البته در سال ۱۳۷۳ سهم بخش خصوصی از یک افزایش نسبی و در مقابل سهم بخش دولتی از یک کاهش نسبی برخوردار بوده است. اما در مجموع سهم بخش دولتی با افزایش و در مقابل سهم بخش خصوصی با کاهش مواجه بوده است.

صادرات شرکتهای دولتی از ۱۷۳/۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۱ با افزایش معادل ۲۴۱/۸ درصد به ۵۹۴/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵ رسیده است. سهم صادرات شرکتهای دولتی نیز

نمودار (۲)

مقایسه صادرات شرکتهای دولتی و صادرات غیرنفتی کل کشور طی دوره ۱۳۷۵ - ۱۳۷۱



خارجی شرکتهای دولتی و نقش آنها در صادرات غیرنفتی و سهم آنها از کل واردات کشور موضوع مهمی بوده که سعی شده باتوجه به آمار موجود (آمار واردات و صادرات به تفکیک شرکتهای سازمانهای دولتی از سال ۱۳۷۱ به بعد قابل دسترسی است) بدان پرداخته شود.

همواره مسایل ارزی در نظام اقتصادی ایران، بخصوص در سالهای اخیر، مسئلهای بسیار مهم بوده که از اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد برخوردار بوده است. در این میان به دلیل آنکه حجم وسیعی از فعالیتهای اقتصادی جامعه توسط شرکتهای دولتی انجام می‌گیرد و همچنین باتوجه به نقش حساس اینگونه شرکتهای در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، این شرکتهای سهم عمده‌ای از منابع و مصارف ارزی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

برای بررسی نقش شرکتهای دولتی در منابع ارزی می‌توان صادرات این شرکتهای را مورد بررسی قرار داد. برای بررسی صادرات شرکتهای دولتی و نقش آنها در صادرات غیرنفتی کشور، ابتدا صادرات غیرنفتی کشور به تفکیک بخش دولتی و خصوصی مورد تحلیل قرار گرفته و در ادامه صادرات شرکتهای دولتی و سهم آنها از صادرات غیرنفتی کشور تحلیل می‌شود.

صادرات غیرنفتی بخش دولتی از ۲۱۳/۱ میلیون دلار در سال ۱۳۷۱ با افزایشی معادل ۲۰۰/۳ درصد به رقم ۶۴۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵ رسیده است. سهم بخش دولتی نیز از کل صادرات غیرنفتی کشور نیز با یک روند افزایشی (به استثناء سال ۱۳۷۳) از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲۰/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. همچنین صادرات بخش خصوصی نیز ابتدا با یک روند صعودی از ۲/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ افزایش یافته است. مجدداً صادرات بخش خصوصی با یک روند نزولی به ۳/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. سهم صادرات بخش خصوصی نیز با یک روند نزولی از ۹۲/۹ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۷۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

نمودار (۱) روند سهم صادرات بخش خصوصی و دولتی را از کل صادرات غیرنفتی کشور طی دوره ۷۵ - ۱۳۷۱ نشان می‌دهد. براساس این نمودار سهم بخش خصوصی در صادرات غیرنفتی کشور تقریباً نزولی بوده است. در مقابل سهم صادرات بخش دولتی در صادرات

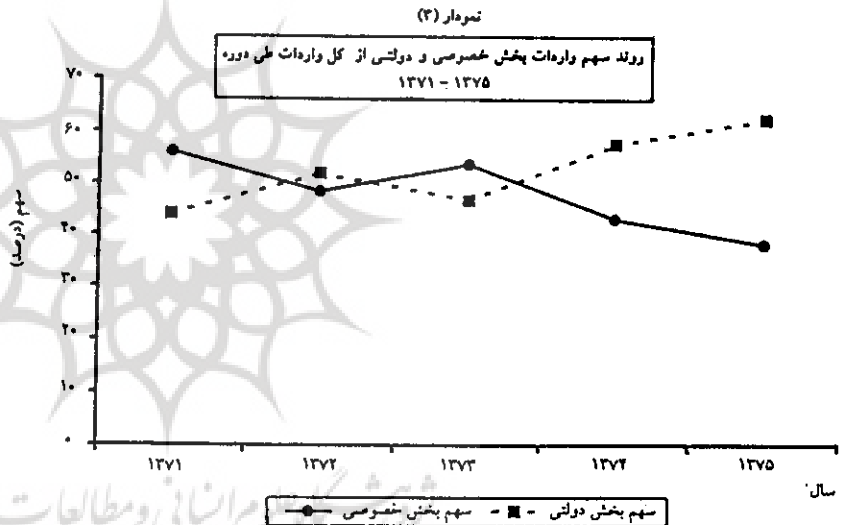
شرکتهای دولتی در سال ۱۳۷۱ مواجه با ۵/۵۸۴۹/۵ میلیون دلار کسری بوده که این کسری تراز ارزی با یک روند نزولی به ۱/۸۲۸۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ و مجدداً با یک روند صعودی به ۸/۴۸۰۵/۸ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵ رسیده است. کاهش کسری تراز ارزی شرکتهای دولتی بیانگر آن است که تنزل ارزش ریال و در مقابل تشویق این شرکتها به صادرات موجب شده که صادرات این شرکتها در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۷۱ از رشدی معادل ۸/۲۴۱ درصد برخوردار شود.

البته رشد مثبت صادرات شرکتهای دولتی در سال ۱۳۷۳ و همچنین رشد منفی واردات این شرکتها بعد از سال ۱۳۷۳ تحقق نیافته است. افزایش صادرات شرکتهای دولتی در طی

دولار در سال ۱۳۷۱ با یک روند نزولی به ۲/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ و مجدداً با یک روند صعودی به ۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ رسیده است. سهم واردات شرکتهای دولتی از کل واردات کشور از ۲/۲ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۷/۳۵ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. نمودار (۴) مقایسه واردات شرکتهای دولتی با واردات کل کشور را طی دوره ۷۵-۱۳۷۱ نشان می دهد. براساس این نمودار واردات شرکتهای دولتی از روندی هماهنگ و مطابق با روند واردات کل کشور برخوردار بوده است. براساس این نمودار واردات کل کشور و شرکتهای دولتی تا سال ۱۳۷۳ از روند نزولی برخوردار بوده و بعد از سال ۱۳۷۳ این روند مجدداً صعودی شده است.

در این حال واردات بخش دولتی از ۱۳/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ با کاهشی معادل ۴/۲۸ درصد به ۴/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ رسیده است. روند واردات بخش دولتی مطابق با روند واردات کل کشور است بطوریکه این روند طی سالهای ۷۳-۱۳۷۱ نزولی بوده و برای سالهای ۷۵-۱۳۷۳ صعودی بوده است. اما در مجموع واردات بخش دولتی و واردات کل کشور طی دوره موردنظر کاهش یافته اند بطوریکه واردات کل کشور طی این دوره تقریباً به نصف کاهش یافته است. در مقابل واردات بخش خصوصی با یک روند نزولی مواجه بوده است. واردات این بخش از ۸/۱۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۱ با کاهشی معادل ۸/۶۵ درصد به ۷/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۵ رسیده است. نمودار (۳) روند سهم واردات بخش خصوصی و دولتی از کل واردات طی دوره

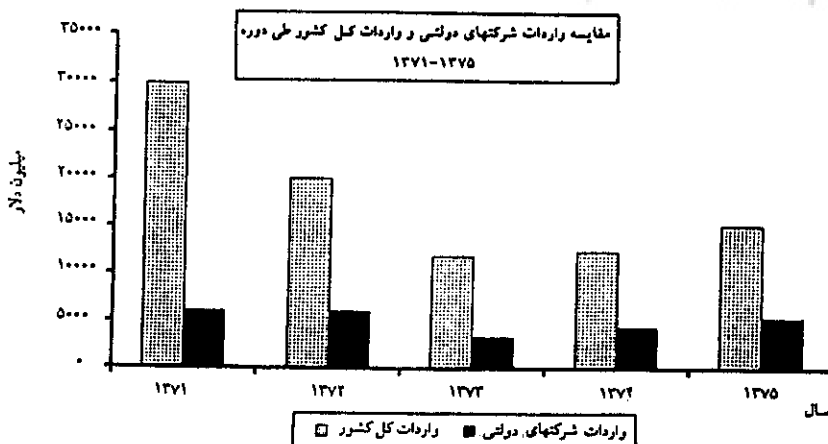
**اگرچه در سالهای
بعد از انقلاب اسلامی
تلاشهای زیادی
برای رهایی کشور
از اقتصاد
تک محصولی شده
ولی به دلیل
برخی موانع
سیاسی ایجاد شده
از سوی بیگانگان،
این کوششها
به ثمر نرسیده است.**



دوره‌ای که سیاست دولت تشویق صادرات بوده و همچنین تنزل ارزش ریال صورت گرفته موبد توان بالقوه شرکتهای دولتی در امر صادرات

جدول (۳) میزان صادرات، واردات و تراز ارزی شرکتهای دولتی را طی سالهای ۷۵-۱۳۷۱ نشان می دهد. براساس این جدول، تراز ارزی

خصوصی و دولتی را از کل واردات کشور طی دوره ۷۵-۱۳۷۱ نشان می دهد. براساس این نمودار سهم واردات بخش خصوصی تقریباً کاهشی بوده است بطوریکه سهم این بخش از کل واردات از ۱/۵۶ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۹/۳۷ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. در مقابل سهم واردات بخش دولتی نیز از یک روند صعودی برخوردار بوده و از ۹/۴۳ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۱/۶۲ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. البته در سال ۱۳۷۳ سهم واردات بخش خصوصی از افزایش نسبی و در مقابل سهم واردات بخش دولتی از کاهش نسبی برخوردار بود. در مجموع سهم واردات بخش خصوصی با کاهش روبه‌رو بود و سهم واردات بخش دولتی از افزایش برخوردار بود. ضمناً واردات شرکتهای دولتی از ۶ میلیارد



جدول (۳)

میزان صادرات، واردات و تراز ارزی شرکتهای دولتی طی دوره ۷۵-۱۳۷۱

ارقام به میلیون دلار

سال	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
صادرات	۱۷۳/۹	۵۹۰/۵	۴۴۲/۹	۵۴۳	۵۹۴/۴
واردات	۶۰۲۳/۴	۵۹۳۶/۱	۳۲۴۴/۷	۴۳۶۶/۲	۵۴۰۰/۲
تراز ارزی	-۵۸۴۹/۵	-۵۳۴۵/۶	-۲۸۰۱/۸	-۳۸۲۳/۲	-۴۸۰۵/۸

ماخذ: دفتر خدمات ماشینی گمرک جمهوری اسلامی ایران

و کاهش دخالت دولت در اقتصاد منافات دارد ولی توجه عمیق‌تر به بحث، این نکته را روشن می‌سازد که در بعضی از فعالیت‌های خاص (به علت انحصارات و مسائل سیاسی) سرمایه‌گذاری دولت و دخالت در تولید آن کالا، نسبت به بخش خصوصی از کارایی بالاتری برخوردار بوده و می‌تواند تاثیر و نقش مهمتری را در اقتصاد ایفا می‌کند.

۳- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

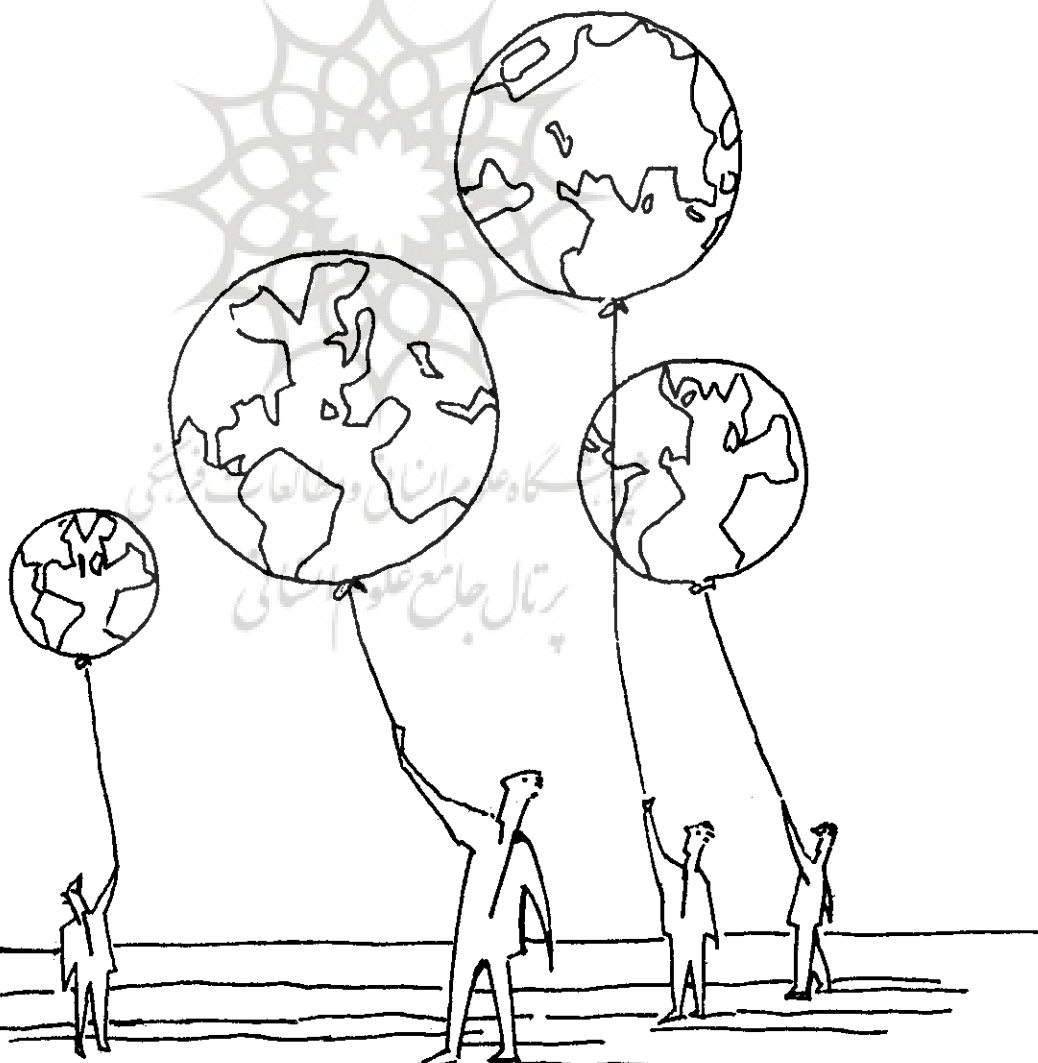
ساختار صادرات ایران گویای جایگاه پراهمیت نفت در صادرات کشور است به طوری که صادرات نفت همواره بیش از ۸۶ درصد کل صادرات کشور را تشکیل می‌دهد است. از آنجایی که ذخایر نفتی کشور عمر محدودی داشته و با توجه به نرخ رشد جمعیت، افزایش مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی در داخل

بالمقوه تولید و صادرات بعضی از شرکتهای دولتی شناسایی شود و سرمایه‌گذاری در جهت افزایش صادرات غیرنفتی این شرکتها صورت پذیرد. این موضوع اگرچه به ظاهر با بحث خصوصی‌سازی

است. به طوری که طی سالهای ۷۵-۱۳۷۱ بخشی از این توان بالقوه به بالفعل تبدیل گردیده است. بنابراین با توجه به نقش شرکتهای دولتی در افزایش صادرات غیرنفتی لازم است توان

دولت می‌تواند
با تغییر
در ساختار
شرکتهای دولتی،
ساختار اقتصادی
جامعه
را
متحول سازد.

ساختار صادرات،
گویای
جایگاه پراهمیت
نفت در صادرات
کشور است.



اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از طرفی هزینه‌های نهایی بازیافت نفت از منابع نفتی روبه افزایش بوده و بهای نفت در دهه‌های آینده بالا نخواهد رفت. لذا تغییر ساختار صادراتی کشور به نفع صادرات غیرنفتی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

در بررسی صادرات ایران نیز این نکته مشخص گردیده که صادرات غیرنفتی همواره بخش ناچیزی از کل صادرات کشور را تشکیل می‌دهد و سهم آن عمدتاً کمتر از ۱۴ درصد کل صادرات کشور بوده است. همچنین بررسی صادرات غیرنفتی ایران بیانگر آن است که همواره سهم ناچیزی از کل صادرات را کالاهای صنعتی تشکیل داده به طوری که در طول سه دهه گذشته سهم کالاهای کشاورزی و سستی در صادرات غیرنفتی بیش از ۸۰ درصد بوده که این امر عمدتاً به ساختار سنتی تولید و جایگاه صنایع دستی (به خصوص فرش) در کشور و همچنین توانایی کشور در تولید بعضی از اقلام کشاورزی مربوط می‌شده است.

ساختار صنعت کشور در طی دهه‌های مذکور، به دلیل حمایت نامعقول و بیش از اندازه دولت و تزریق ارز ناشی از درآمد نفت و وجود بازار تضمین شده داخلی، انگیزه لازم برای حصول در بازارهای بین‌المللی را پیدا نکرده است. اما در طی برنامه اول توسعه، دولت با ایجاد انگیزه لازم و تشویق صنایع در امر توسعه صادرات به همراه سیاستهای ارزی متخذه (تنزل ارزش پول ملی) توانسته سهم کالاهای صنعتی را در صادرات غیرنفتی کشور افزایش داده و موجب شود تا سهم کالاهای صنعتی به بیش از ۴۵ درصد کل صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۷۵ برسد.

افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی عمدتاً مربوط به مواردی (مواد شیمیایی، آهن، چدن، فولاد و مس) است که عمدتاً (در بعضی موارد تماماً) توسط شرکتهای دولتی تولید می‌گردند. بنابراین افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی کشور معلول تلاش و فعالیت آن دسته از شرکتهای دولتی بوده که در این زمینه‌ها به تولید مشغول هستند. موید این امر، صادرات شرکتهای دولتی طی دوره ۷۵ - ۱۳۷۱ به دلیل سیاستهای ارزی متخذه و تشویق دولت به صادرات، بوده که از رشدی معادل ۲۴۱/۸ درصد برخوردار بوده است و در مقابل واردات این شرکتهای دارای رشد

شرکتهای دولتی سهم عمده‌ای از منابع ارزی کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

باتوجه به

افزایش جمعیت

و بالارفتن

میزان مصرف

فرآورده‌های نفتی

در داخل،

تغییر ساختار صادراتی

کشور را

به نفع صادرات غیرنفتی

اجتناب‌ناپذیر کرده است.

منفی معادل ۱۰/۳ درصد بوده است.

بنابراین به دلیل آنکه کالاهای صنعتی از ارزش افزوده و اشتغال‌زایی بالاتری نسبت به کالاهای کشاورزی و سنتی برخوردار بوده و از طرفی این شرکتهای دولتی بوده‌اند که عمده کالاهای صنعتی کشور را تولید و صادر کرده‌اند. لذا، لازم است در جهت توسعه صادرات غیرنفتی و بخصوص کالاهای سنتی، توجه خاصی به شرکتهای دولتی معطوف شود. همچنین به دلیل حجم فعالیت شرکتهای دولتی در اکثر زمینه‌ها، دولت می‌تواند با تغییر و تحول در ساختار این شرکتهای، ساختار اقتصادی جامعه را متحول سازد. علت این امر آن است که عمده فعالیتهای محوری کشور (پتروشیمی، فولاد، آب، برق و گاز) توسط شرکتهای دولتی صورت می‌پذیرد که با تغییر ساختار می‌تواند ساختار اقتصاد کشور را متحول سازد.

حال با توجه به آنچه که در رابطه با نقش شرکتهای دولتی در تجارت خارجی ذکر شد، پیشنهادات ذیل برای بهبود نقش این شرکتهای ارائه می‌شود:

● ارتقاء بهره‌وری نیروی کار کشور و بخصوص نیروی کار بخش دولتی اقتصاد که مانع از ایجاد فعالیتهای مولد و کارآفرین در بخش صنایع

گردیده است. این امر می‌تواند از طریق آموزش نیروی کار و ایجاد انگیزه‌های لازم صورت گیرد؛ ● فراهم آوردن امکان سرمایه‌گذاری بیشتر برای آن دسته از شرکتهای دولتی که به نحوی موفقیت و عملکرد مناسبی در امر صادرات داشته‌اند؛

● سوق دادن تسهیلات سیستم بانکی از طرف دولت به این قبیل شرکتهای که از کارایی لازم در امر صادرات غیرنفتی برخوردار بوده و توانسته‌اند موفقیت‌هایی را در این زمینه کسب کنند؛

● تلاش بیشتر در جهت استاندارد کردن کالاها و بهبود کیفیت کالاهای تولیدی به واسطه حضور در بازارهای بین‌المللی؛

● از میان برداشتن قوانین محدودکننده به منظور فراهم آوردن موجبات حضور بیشتر اینگونه شرکتهای در بازارهای بین‌المللی و ایجاد تسهیلات در زمینه حمل و نقل و بازرگانی برای آنها؛

● ایجاد رقابت بین شرکتهای دولتی و بخش خصوصی در جهت بهبود کارایی و عملکرد بهتر در جهت افزایش کیفیت محصولات تولیدی؛

● کاهش حمایت‌های بیش از اندازه از صنایعی که تاکنون نتوانسته‌اند به بازارهای بین‌المللی راه یابند؛

● ایجاد واحدهای پژوهشی و تحقیقاتی در شرکتهای دولتی (مخصوصاً در زمینه تولید کالاهای صنعتی) به منظور بهبود کیفیت تولید و نوآوری در این زمینه؛

● فراهم آوردن تسهیلات لازم به منظور استفاده کامل از ظرفیتهای موجود و جلوگیری از بلااستفاده ماندن سرمایه‌های ایجاد شده؛

● افزایش راندمان و بهره‌وری و توسعه فرهنگ بهره‌وری به منظور استفاده بهینه از امکانات و سرمایه‌گذاری موجود به عمل آمده در صنعت دولتی کشور. □

منابع و مأخذ:

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران «گزارش اقتصادی و ترانزنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» سالهای مختلف.
- ۲- سازمان ملل متحد «گزارش سال ۱۹۹۴» آنکتاد.
- ۳- گمرک جمهوری اسلامی ایران، دفتر خدمات ماشینی «آمار بازرگانی خارجی» سالهای ۷۵ - ۱۳۷۱.

● علی اصغر اسماعیل‌نیا: دانشجوی دوره دکتری اقتصاد و کارشناس سازمان برنامه و بودجه